

سیاست در شعر ایلیا ابوماضی و سهراب سپهری

مهین اقدامی^۱، دکتر محمود شکیب^۲
(تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۲۸، تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۰۷)

چکیده

ایلیا ابوماضی و سهراب سپهری از شاعران بزرگ دوران استبداد زده‌ی معاصر لبنان و ایران هستند، که مشعل تجدید و نوگرایی را بر تقلید و سبک‌های گذشته حمل کردند، و زندگی‌شان را وقف شعرشان نمودند تا پیام اجتماعی را به گوش جهانیان برسانند.

ابوماضی در مهجر درخشید و با تاثیر پذیرفتن از فلسفه ادبیات جهانی، اندیشه‌ای نوین در شعرش پدید آورد و سپهری نیز با تمسک به عرفان شرقی برگی تازه بر ادبیات معاصر ایران افزود.

شعر هر دو در دفاع از انسانیت، آزادگی و اجتماع و .. می‌باشد و هر دو با بیانی متفاوت از دیگران، به سیاست‌های روزگارشان انتقاد کرده‌اند.

ابوماضی و سپهری به حقیقت از نام آورترین شعرای جهان به شمار می‌روند و طنین شعرشان گوش فلک را پر کرده است. این مقاله به بررسی جنبه‌هایی از زندگی این دو شاعر نامدار و رویکردهای سیاسی آنان می‌پردازد.

واژگان کلیدی

ایلیا ابوماضی، سهراب سپهری، مهجر، سیاست.

مقدمه

در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، سوریه و لبنان تحت سلطه‌ی حکومت عثمانی بودند، که آزادی‌ها را سرکوب می‌کردند و کرامات انسانی را از بین برده بودند، و مردم را اسیر و زندانی می‌کردند، وضعیت معیشتی مردم نیز مناسب نبود، به همین سبب مردم به مهاجرت روی آوردند.

مهاجران که به دنبال آزادی و فرار از ظلم و ستم سیاسی و به دنبال زندگی مرفه اقتصادی بودند، ابتدا به سمت شمال آفریقا و سپس به سمت کشورهای آمریکایی روی آوردند. هر چند که سوری‌ها و لبنانی‌ها از روزگاران قدیم به دنبال مهاجرت بودند اما در این دوران مهاجرت مردم افزایش یافت.

در بین مهاجرانی که به کشورهای آفریقایی و آمریکایی سفر می‌کردند ادیبان و شعراء و اندیشمندانی نیز وجود داشتند که با مهاجرتشان، ادبیات عربی را به آن کشورها منتقل کردند و در جهت تقویت و گسترش زبان و ادبیات عربی تلاش کردند، زیرا ادبیات، لازمه‌ی ادیب و شاعر است و لذا ادبیاتی که در مهجر نوشته شد، ادبیات مهاجری نامیده شد که از مکاتب ارزشمند و مهم ادبیات عربی به شمار می‌رود. و مهمترین چیزی که شعر مهاجری به آن متمایز است، تجدید در موضوع و شوق و اشتیاق به وطن و رویارویی با ظلم حاکمان، آنان را به

تساهل و ساده پنداری دینی وادار کرد و تمام عرب‌ها را به شکستن تعصبات دینی و تمایل به وطن‌گرایی تشویق می‌کرد. شعر مهاجری در قالب فکر و اندیشه فلسفه و رمزگرایی بیان شده است، البته شعر مهاجر به دست ادیب بزرگ مهاجری «جبران خلیل جبران» بنا شده است. ادبای مهاجر فعالیت‌های ادبی داشتند، آنان انجمن‌های ادبی زیادی را پایه‌گذاری کردند و روز نامه‌ها و مجلاتی را منتشر کردند، که صدای آزادی بخشی آنها و سرزمین شان را به گوش جهانیان برسانند.

دهه‌های سی تا پنجاه شمسی بدون تردید یکی از درخشان‌ترین دوران شکوفایی ادبیات فارسی است. در این دهه‌ها به شهادت تاریخ ادبیات معاصر، شاعران و نویسندگان بزرگی پا به عرصه‌ی هنر گذاشته‌اند که نام و آثارشان تا همیشه‌ی تاریخ به قله افتخارات ادبیات فارسی خواهد درخشید. در چنین زمانی است که سهراب سپهری پا به عرصه‌ی هنر نمایی می‌گذارد و می‌تواند به اوجی برسد و مقامی را بیابد که بی اغراق یگانه‌ی روزگار خویش شود.

همچنین کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تأثیر عمده‌ای در شعر معاصر ایران گذاشت، پیش از کودتا بخصوص بین سال‌های ۳۲-۲۹ با اوج‌گیری فعالیت‌ها و مبارزه‌های سیاسی در ایران، شعر بیشتر شعرائی که مستقیم یا غیر مستقیم مرتبط با جریان‌های سیاسی بودند از زبان مجاز

دور شده بود و نوعی شعر مبارزه، با ویژگی‌هایی که در شعر ابتهاج (سایه) هست، شکل گرفته بود. نخستین تأثیر کودتا در زبان گویندگان بود، در این دوره نوعی سمبولیسم اجتماع گرا در شعر رخ نمود، کنایات و استعارات نو ابداع شد و واژه‌ها بار معنایی گسترده تری یافت، و زبان شعر غنای بیشتری یافت. دومین تأثیر کودتا در محتوا و درونمایه‌ی اشعار بود. بازتاب کودتا در محتوا و درونمایه‌ی شعر شعری که متأثر از مسائل اجتماعی بودند، یکسان نبود: به این معنی که در شعر شاعرانی که در رابطه‌ی مستقیم با جریان‌ها و تشکیلات سیاسی نبودند، یأس و ناامیدی وحشتناک و نیز تردید بین ناامیدی و امید چهره نمود.

در این اوضاع و احوال دو شاعر ارزشمند، یکی لبنانی به نام ایلیا ابوماضی و دیگری شاعر ایران زمین به نام سهراب سپهری، در عرصه‌ی ادب و سیاست درخشیدند. در این مقاله ابتدا درباره‌ی زندگی و شخصیت ابوماضی و سپس سپهری به بحث و بررسی می‌پردازیم.

تولد ایلیا ابوماضی

ایلیا ضاهر ایلیا طانیوس ابوماضی، از بزرگترین شعرای مهاجر اهل لبنان است که به سال ۱۸۸۹ م در روستای «المحیدثة» در خانواده‌ای فقیر و پر جمعیت به دنیا آمد. به دلیل وضعیت نامناسب مالی فقط تحصیلات ابتدایی را در روستایش گذراند و مدیر مدرسه «علامه شیخ ابراهیم

منذر» وقتی شدت علاقه اش را به آموزش می‌بیند به او اجازه می‌دهد بدون پرداخت شهریه وارد کلاس شود. پس از پایان دوران ابتدایی تصمیم می‌گیرد برای آموختن بیشتر علوم و تأمین زندگی بهتر و امنیت بیشتر از لبنان به مصر مهاجرت کند، بنابراین در سال ۱۹۰۲ م به اسکندریه در مصر می‌رود و در آنجا در مغازه‌ی عمویش به سیگارفروشی مشغول می‌شود و در اوقات فراغتش به مطالعه و آموختن علوم می‌پردازد. (الهواری، شعراء المهجر الشمالي، ۲۰۰۹ م، ص ۱۸)

مصر از لبنانی‌های مهاجر به خوبی استقبال کرده و شعراء در مصر نهضت ادبی بزرگی را تأسیس کردند که صدایشان را بر علیه استبداد ترکی - که در سرزمین شان ساکت شده بود - بیان کنند.

(برهومی، ایلیا ابوماضی شاعر السؤال والجمال، ۱۹۹۳ م، ص ۱۷)

ابو ماضی در مغازه‌ی عمویش با «أنطون الجمیل» آشنا شد، و وی از شاعر خواست تا سروده‌هایش را برای چاپ در مجله‌ی «الزهور» که به همراه «أمین تقی الدین» تأسیس کرده بود، منتشر کند.

ابوماضی مصر را دوست داشت و از خوبی‌هایش می‌سرود و هنگامی که تحت اشغال بود با قلب و زبان و قلمش در راه آزادی از زیر بار سنگین اشغال تلاش کرد و محبتش را نسبت به مصر

در مقدمه‌ی دیوانش که به مصر اهداء کرده بود، اینگونه بیان می‌کند:

«ای مادر مهربان، این دیوان من است که آن را زیر آسمانت و روی زمینت سرودم، آن را به سمت تو بالا آوردم، نه بخاطر دریافت پاداش، نه بخاطر سپاسگزاری، بلکه بخاطر آنچه از مهر و محبت و وابستگی به تو در درونم پنهان کرده بودم.» (شمس الدین، دیوان ایلیا ابوماضی، ۲۰۰۵م، ص ۸)

شاعر در واقع چاره‌ای جز مهاجرت به مصر نداشت، زیرا حکومت مصر در آن زمان به مهاجران لبنانی ویزای ورود به آمریکا را مستقیماً نمی‌داد و مهاجران مجبور بودند برای دریافت ویزای آمریکا مدتی را در مصر بمانند، ابوماضی نیز به همین دلیل ابتدا از لبنان به مصر رفت تا مقدمات سفر به آمریکا را فراهم کند و تا سال ۱۹۱۱م در مصر ماند و گاهی برای دیدار به وطنش می‌رفت ولی نمی‌توانست در لبنان اقامت کند. (المعوش، ۱۹۹۷م، ص ۴۰)

ابوماضی و فعالیت‌های ادبی در آمریکا

ابوماضی در سال ۱۹۱۲م به شهر «سنسنتی» در ایالت «اوهایو» وارد شد، ابتدا به تجارت مشغول شد و برخی سروده‌هایش را در مجلات مختلف منتشر می‌کرد. وی پس از گذشت چهار سال به دلیل اوضاع نامناسب اقتصادی به نیویورک نقل مکان کرد و در آنجا که مرکز فعالیت فکری و ادبی و فرهنگی مهاجران شرقی بود، از تجارت به

روزنامه نگاری روی آورد، و در آنجا با بسیاری از نخبگان مهجر همچون «جبران خلیل جبران»^۱ و «میخائیل نعیمه»^۲ و «نسیب عریضه»^۳ و «ندره حداد»^۴ و افراد دیگری از اندیشمندان و اصحاب قلم آشنا شد. (برهومی، ۱۹۹۳م، ص ۲۸؛ شمس الدین، ۲۰۰۵م، ص ۱۳)

الرابطة القلمیة

این انجمن به سال ۱۹۲۰ م تشکیل شد، و هدف از ایجاد آن، نوآوری در زمینه کارهای وطنی و ادبی و اجتماعی که غرق در تقلیدهای متحجرانه شده بودند، بوده است. رئیس انجمن جبران بود و از مهمترین اعضای آن، ایلیا ابوماضی، عبدالمسیح حداد و نسیب عریضه و بودند. پس از تشکیل «الرابطة القلمیة» شعراء شروع به نوشتن مقالات و سروده‌های خود برای مجله «السائح» کردند و زیر عنوان هر مقاله نام نویسنده‌اش با عنوان «العامل فی الرابطة القلمیة» ثبت می‌شد، و این لقبی بود که به نویسندگان عضو انجمن اطلاق می‌شد به این

۱- جبران خلیل جبران (۱۹۳۱ م - ۱۸۸۳ م) نابغه نویسندگان معاصر در مهجر، آمریکایی و اهل سوریه بود، سپس به لبنان رفته و از آنجا به آمریکا مهاجرت نموده، رئیس «الرابطة القلمیة» بود و از معروفترین آثارش «النبی» و «المواكب» می‌باشد. (الهوری، ۲۰۰۹ م، ص ۶۷)

۲- میخائیل نعیمه (۱۹۸۸-۱۸۸۹ م) ادیب و شاعر لبنانی و مهجری است. مشاور «الرابطة القلمیة» بود و از مهمترین آثارش «الغریبال» نام دارد. (همان، ص ۱۰۸)

۳- نسیب عریضه (۱۹۴۶-۱۸۸۷ م) شاعری اهل شام که جزء بزرگترین شعرای مهجر به شمار می‌رود. از اعضای «الرابطة القلمیة» بود و از معروفترین آثارش «الأرواح الحائرة» می‌باشد. (همان ص ۱۲۱)

۴- ندره حداد (۱۹۵۰-۱۸۸۱ م) شاعر سوریه‌ای که در شهر حمص متولد شد. سپس به آمریکا مهاجرت کرده با برادرش (عبدالمسیح) در روز نامه «السائح» کار می‌کرد. (همان ص ۱۴۷)

م «الجداول» را با مقدمه‌ای از میخائیل نعیمه و در سال ۱۹۴۰ م «الخمائل» را منتشر کرد و «دیوان التبر و التراب» را پس از وفاتش انتشارات «دارالعلم للملایین» منتشر نمود و سرانجام در سال ۱۹۵۷ م دار فانی را وداع گفت.

(شمس الدین، ۲۰۰۵، ص ۱۶-۱۴)

ابوماضی و گرایش رومانتیک

ابوماضی تحت تأثیر حرکت رومانتیکی جبران و سایر دوستانش بود، اما بدینی جبران را نسبت به زندگی و محیط اطرافش نداشت. وی شاعر آرزوها و خوش بینی هاست و معتقد بود که آدمیزاد همواره باید با خوش‌بینی زندگی کند و زندگی را همان گونه که هست بپذیرد. در زمینه‌های فلسفی نیز تحت تأثیر اندیشه‌های «عمر خیام^۱» بوده است، مخصوصاً در زیباترین قصیده اش «فلسفه الحیاء» با این مطلع:

أَيُّهَا الشَّكِيُّ وَمَا بَكَ دَاءٌ
كَيْفَ تَعْدُوْا إِذَا غَدَوْتَ عَلِيْلًا

(ضیف، دراسات فی الشعر العربی المعاصر، ۱۱۱۹ م، ص ۱۸۳-۱۸۲)

وطن گرایی و سیاست در شعر ابوماضی

شعر وطنی، شعری است که شاعر در آن عظمت‌های وطنش را می‌سراید و به استقلال و آزادی وطنش از آتش ظلم و استبداد دعوت

معنا که این فرد تلاش منظمی در زمینه‌ی ادبیات دارد و هر سال ویژه‌نامه‌ای نیز با آثار برگزیده‌ی شعراء و ادباء با تصاویر زیبایی از جبران منتشر می‌شد. (جمیل السراج، شعراءالرابطة القلمیه، بی تا، ص ۸۳-۸۲)

مجله السّمیر

ابوماضی در سال ۱۹۲۹ م مجله‌ای مستقل به نام «السّمیر» منتشر کرد. در ابتدا مجله به صورت دو هفته‌نامه منتشر می‌شد که با توجه به تلاش‌های بیشتر شاعر این مجله در سال ۱۹۳۶ م به روزنامه تبدیل شد. ابوماضی آنچه را که به ذهنش خطور می‌کرد، می‌نوشت و به داشتن خط فکری مشخصی در بیان قضایای اجتماعی و سیاسی و فکری و اقتصادی و وطن گرایی و انسانیت و... متمایز بود. این مجله بخاطر تلاشی که در راستای امور جاری در وطنشان «لبنان» و سایر کشورهای عربی، بخصوص قضیه‌ی «فلسطین» انجام داد، بسیار مورد توجه عرب مهاجر قرار گرفت و باعث شهرت روزافزون ابوماضی شد. (المعوش، ۱۹۹۷ م، ص ۹۴-۹۳)

آثار ابوماضی

ابوماضی آثار ارزشمندی در مصر و آمریکا از خود به یادگار گذاشت و اولین دیوان شعری اش را در سن ۲۲ سالگی با نام «تذکارالماضی» به سال ۱۹۱۱ م در مصر با مضامین سیاسی و وطن‌گرایانه به چاپ رساند و سه سال بعد در آمریکا «دیوان ایلیا ابوماضی» و در سال ۱۹۲۷

۱- عمر خیام: حکیم ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیامی نیشابوری، حکیم، فیلسوف، ریاضیدان و شاعر بزرگ اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم است. سال مرگش را بین ۵۰۹ تا ۵۱۷ دانسته‌اند، رباعیات وی مشهور است. (شاهری، ۱۳۸۴ ه. ش، ص ۱۰۱-۹۹)

می‌کند. و ابوماضی در زمینه‌ی مسائلی که به مصر و لبنان مربوط بوده است، مشارکت فعالی داشته و در اشعارش همواره از مصر و لبنان دفاع نموده است. ابوماضی از سال ۱۹۱۱ م به موضوعات سیاسی و وطنی روی آورده و در مسیر آزادی مصر از استعمار انگلیس و آزادی بلاد عربی قدم برداشت و در حزب وطن به رهبری «مصطفی کامل» همکاری می‌کرد.

(زکی طالب، ایلیا ابوماضی بین التجدید و التقليد، بی تا، ص ۱۰۱-۹۰)

و شعر سیاسی، مبارزه‌ای آزادی بخش است و رسیدن به آرزوهای ملی را می‌جوید و به فراخوان انقلاب و حمله به عقب ماندگی و محکوم کردن اختلاف طبقاتی می‌پیوندد و حمله بر دشمنان و هم پیمانان آن‌ها و یورش بر آرزوهای واپسگرایان و نازپروردگان را در پی دارد. پس مبارزه سخت و پیوسته است بازگرداندن سرزمین اشغالی از دست صهیونیست‌ها که خود ابزار دست استعمار آمریکاست، ضرورت می‌یابد، بی گمان گسترش سروده‌های سیاسی در شعر، نشان از بیداری شاعران عرب و دل‌بستگی آنان به رویدادهای ملی و میهنی سرچشمه می‌گیرد. (الخیاط و دیگران، تاریخ ادبیات معاصر ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۴۳-۴۱)

به نظر ابو ماضی جنبش صهیونیسم باعث تغییر خط مشی کشورهای اسلامی نسبت به یهودی‌ها شد. چه از زمانی که صهیونیست‌ها

به سلاح «اعلامیه بالفور» مجهز گشتند، به غاصبینی تبدیل شدند که هدفشان بیرون راندن اعراب از فلسطین و تأسیس پادشاهی یهود به جای آن بود. وی معتقد است صهیونیسم بر پایه‌ی مذهب شکل گرفته، بدین دلیل عجیب نیست که مسلمانان با همان حربه به جنگ آنان برخیزند. در نهایت چنین نتیجه می‌گیرد که «قیام اسلامی» نامی که ابوماضی به آشوب‌های «کنستانتین» داده نشانه‌ی ناخشنودی مذهبی مردم است. (سلیمان، فلسطین و شعر معاصر عرب، ۱۳۷۶ ه.ش، ص ۵۷-۵۶)

و ابوماضی در شعر «فلسطین» یهودی‌ها را مخاطب قرار داده، می‌گوید: «بالفور» می‌بایست یک قلمروی بریتانیایی به شما می‌بخشید، نه سرزمین عربی را. به نظر ابوماضی فلسطین جزء جدایی‌ناپذیر ممالک عربی است و در پایان اینگونه نتیجه می‌گیرد:

این سرزمینی است که از پدران مان به ما رسیده است، ما نیز آن را برای نوادگان مان به ارث خواهیم گذاشت، هیچ زمانی اینجا خانه شما نبوده و اکنون نیز آن را وطن خود نپندارید، که زمین آن، وطن ما و گورستان شما خواهد بود. دیارُ السَّلَامِ و أَرْضُ الهِنَا

يَشُقُّ عَلَى الْكُلِّ أَنْ يَحْزَنَا^۱

فَخَطْبُ فِلَسْطِينَ خَطْبُ الْعَلِي

وَ مَا كَانَ رِزْءُ الْعَلِيِّ هَيْتَا

نَصَحْنَاكُمْ فَارْعَوْا وَ انْبُدُوا

۱- ابوماضی، دیوان ایلیا ابوماضی، ۲۰۰۵ م، ص ۴۴۱-۴۳۹.

«بلیفور» ذیالک الأرعنا
وَإِمَّا أَبِيئْتُمْ فَأَوْصِيكُمْ

بِأَنْ تَحْمِلُوا مَعَكُمْ الْأَكْفَانَ
فَإِنَّا سَنَجْعَلُ مِنْ أَرْضِهَا
لَنَا وَطَنًا وَ لَكُمْ مَدْفَنًا!

ابوماضی در برابر ظلم و ستم، خواهان استقلال و آزادی است و از آزادگان و شهیدان تمجید می‌کند و بهترین سروده هایش را برای عشق و زیبایی و بر علیه استعمار و سلطه گران و نجات جامعه، به کار گرفته است. آرزوی ابوماضی از بین رفتن ظلم و ستم بود. وی زمانی که مشاهده کرد در سال ۱۹۱۶ م که آزادگان، حاکم ستمگر را از کشورش راندند، مانند هر شاعر و ادیبی میان آزادی اندیشه و ظلم ارتباط برقرار می‌کند و بیان می‌کند: هر کس شعری می‌سرود که در آن بویی از نور و خشم بر ظلم و ستم بود، مستوجب زندان از یک ماه تا شش ماه می‌شد و به همین دلیل اشعار وطنی اش را در دیوان «تذکار الماضی» نیاورده است. (المعوش، ۱۹۹۷ م، ص ۶۰-۵۹؛ الفاخوری، تاریخ الأدب العربی، بی تا، ص ۱۴۰-۱۳۹)

تولد سهراب سپهری

سهراب سپهری شاعر نوپرداز و گرانمایه در پانزدهم مهر ۱۳۰۷ ه ش در کاشان در یک خانواده‌ی متوسط چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در کاشان به اتمام رساند و برای تحصیل در دوره متوسطه به دانشسرای

مقدماتی تهران رفت و سپس به استخدام آموزش و پرورش درآمد. در سال ۱۳۲۷ از آموزش و پرورش استعفا داد و در امتحانات ششم ادبی شرکت کرد و بعد از گرفتن دیپلم ادبی وارد دانشکده‌ی هنرهای زیبای تهران شد و در سال ۱۳۳۲ دوره‌ی لیسانس دانشکده هنرهای زیبا را در رشته‌ی نقاشی با رتبه اول به پایان رساند. (هاشمی، زندگی نامه شاعران ایران از آغاز تا عصر حاضر، ۱۳۸۲ ه ش، ص ۱۰)

سهراب از سال ۱۳۲۶ در جلسه‌های ادبی کاشان که زیر نظر حسن علی منشی کاشانی، پدر محمود منشی کاشانی که در دهه‌های بعد شاعر قصیده سرای مذهبی است تشکیل می‌شد، حضور می‌یافت. در سال ۱۳۲۷ با منوچهر شیبانی آشنا می‌شود که او را در حال نقاشی دیده بود و او را به رفتن به تهران و تحصیل در رشته‌ی نقاشی تشویق می‌کند و در همین سال با شعرهای نیما یوشیج^۱ و فریدون توللی^۲ آشنا می‌شود. (شاهری، شهبازان قله‌های ادب پارسی، ۱۳۸۴ ه ش، ص ۴۶۵-۴۶۳)

سپهری آفریننده‌ی تصاویر ملایم و لطیف

با خصوصیات رمزی مشروط و اجزای انتزاعی

۱- نیما یوشیج: علی اسفندیاری (نیما یوشیج): (۱۲۷۶-۱۳۳۸ ه ش) متولد یوش در مازندران می‌باشد. شعر «افسانه» را که به نوعی زیر بنای شعر نو در ایران است را در پیامدهای کودتای سوم اسفندماه سرود و شعر «مرغ غم» و «مرغ آمین» از معروفترین سروده هایش می‌باشد. (ایمنی، ۱۳۸۲ ه ش، ص ۱۱۴)

۲- فریدون توللی (۱۲۹۸-۱۳۶۴ ه ش): متولد شیراز و فارغ التحصیل رشته باستان‌شناسی دانشگاه تهران می‌باشد. بعد از شهریور ۱۳۲۰ به جمع آزادی خواهان پیوست و مقالات انتقادی‌اش را با اسلوبی خاص به نام «التفصیل» به شهرت خاصی رسید. اشعار «کارون» و «ملعون» او بسیار معروف است. (همان، ص ۲۳۰)

رنگارنگ است. در، آمیختن شعر و نقاشی و تمایل به عرفان و داشتن روحی لطیف و حساس، به سهراب احساس نازک بینی هنرمندانه‌ای می‌بخشید و نقاشی را به نوعی صمیمیت شاعرانه نزدیک می‌کرد. او علاقه به هند و مکتب‌های فلسفی شرق دور را با آگاهی و شناخت عجین کرده و تأثیر آن در نقاشی و شعرش مشهود است. سهراب در دهه‌ی سی به عنوان نقاش نوپرداز شناخته شد. (ایمنی، ۱۳۸۲ ه ش، ص ۳۵۴)

و در نهایت در سال ۱۳۵۸ ناراحتی‌های جسمی سهراب شروع می‌شود و پس از آزمایش‌های متعدد، بیماری سرطان خون وی تشخیص داده می‌شود، مدتی برای مداوا به انگلستان می‌رود، اما سرانجام در اول اردیبهشت ۱۳۵۹ در بیمارستان پارس تهران در گذشت و در صحن امامزاده علی در روستای «مشهد اردهال» کاشان به خاک سپرده شد و بعدها بر سنگ قبرش به توصیه‌ی دوست هنرمندش رضا مافی این قطعه شعر که در هشت کتاب به چاپ رسیده، نوشته شد. (شاهری، ۱۳۸۴ ه ش، ص ۴۷۳)

به سراغ من اگر می‌آیید.

نرم و آهسته بیایید، مبادا که ترک بردارد

چینی نازک تنهایی من.

زندگی ادبی سهراب سپهری

سهراب در سروده هایش سخت تحت تأثیر

فروغ فرخزاد^۱ و نیمایوشیچ و از معدود هنرمندان

۱- فروغ فرخزاد: (۱۳۴۵-۱۳۱۳ ه ش) متولد تهران بود. در سرودن شعر تحت تأثیر توللی و مشیری و نادریور بوده است. شعر «تولد دیگر» وی بسیار معروف است و در اندیشه هایش

اندیشمندی است که «درد فلسفی» دارد. درد او «نان به کف آوردن» نیست. درد او درد دور ماندن از «اصل خویش» است. وی توانایی آن را داشته که یکی از تأثیرگذارترین شاعران زمانه باشد. زبان، سبک و ساخت شعر او، جایگاه خود را در شعر پارسی در پژواک گسترده‌ی خود یافت. و نام آوران شعر فارسی اعتراف کرده‌اند که سهراب را از آن نظر که بنیان گذار سبک و روال معینی در شعر فارسی است، می‌توان در ردیف صاحب سبک‌هایی چون نیما، شاملو^۲ و اخوان ثالث^۳ قرار داد. تأثیر شعر سپهری، تجلی گاه سیستم فکری نظام یافته‌ی معینی است، از دوران افول سبک عراقی در شعر فارسی تاکنون بی‌همتا است. سپهری به معنای فلسفی، متفکری است صاحب یک دستگاه فکری جامع و مکتب منسجم و آن چنان عاشقانه با آن زیسته که شعرش بدون اندیشه، و اندیشه‌ی او بدون کالبد هنری آن تصور ناپذیر است. (مقدادی، تحلیل و گزیده‌ی شعر سهراب سپهری، ۱۳۷۷ ه ش، ص ۱۹)

سهراب سپهری و سبک شعر وی

برخی سپهری را شاعری طبیعت‌گرا، برخی رومانتیست و برخی او را عارفی نوگرا، خوانده‌اند.

درد فلسفی و اجتماعی نمایان است. (ایمنی، ۱۳۸۲ ه ش، ص ۴۰۳-۴۰۲)

۲- احمد شاملو: (۱۳۰۴-۱۳۷۹) متولد تهران است و با تخلص «بامداد» شعر می‌سرود. شعر او در قالب «نیمایی» است. شعر «پریا» و «دخترای ننه دریا» بسیار مشهور است. (همان، ص ۲۵۶)

۳- مهدی اخوان ثالث: (۱۳۰۷-۱۳۶۹ ه ش) متولد مشهد است و مدتی نیز به دلیل درگیری‌های سیاسی به زندان افتاد. با نام مستعار «امید» به سرودن شعر می‌پرداخت. شعر «زمستان» از معروف‌ترین سروده هایش می‌باشد. (همان، ۳۳۴)

ش، با محتوای رنج و دلهره و مضامین سیاسی؛ مجموعه «زندگی خوابها» در سال ۱۳۳۲، که در واقع ادامه مجموعه قبلی وی می‌باشد. و «آوار آفتاب» در سال ۱۳۴۰ با مضامین نیایش گونه، و «شرق اندوه» با حال و هوای عرفانی، «صدای پای آب» در سال ۱۳۴۴، و «مسافر» در سال ۱۳۴۵ که در واقع دنباله‌ی کتاب قبلی است، و «حجم سبز» در سال ۱۳۴۶، که محتوای آن همه سبز و ملکوتی است، و «ما هیچ - ما نگاه» که در اصل ته بساط شعری اش می‌باشد، و در نهایت همه‌ی هشت دفتر شعری اش را تحت عنوان «هشت کتاب» در سال ۱۳۵۶ چاپ و منتشر کرد. (ایمنی، ۱۳۸۲ ه ش، ص ۳۵۵-۳۵۴)

سهراب سپهری و سیاست

نسل سپهری یکی از شگفت‌انگیزترین نسل‌ها در بستر تاریخ معاصر است: کودکی و جوانی این نسل با شیخ پر رنگ استبداد و خودکامگی رضا شاه چهره می‌گیرد. تحصیل کردگان مدارس اروپا به اشاعه‌ی فرهنگ و اندیشه‌ی غربی می‌پردازند، تا اینکه به دوران شهریور بیست وارد می‌شویم. در آن روزگار و برای آن نسل که همه چیز را در کنار هم می‌دید، بودن و زیستن، [چرا بودن و چگونه زیستن، چگونه بودن و زیستن؟] بر دوش و ذهن انسان‌های فرهیخته به شدت سنگینی می‌کرد. این شاید یک وظیفه بود که در نگرش ادیبان و هنرمندان آن سال‌ها، تنها با پناه بردن به سیاست و اندیشیدن به جامعه و

گروهی نیز او را فردی دور از اجتماع و مردم پنداشته‌اند، برخی او را پیرو عرفان هندی قلمداد کرده‌اند، اما حقیقت این است که سهراب تنها رهرو سالکی است که در کوچه‌های اسطوره‌ای ایران زمین، ریشه در این آب و خاک دارد، و بیشتر از چشم انداز اساطیری به جهان، طبیعت و پیرامون خویش نگریسته است. این رهرو کوچه‌های ساکت و خلوت شرق به اسطوره، دست یافت و با زبان ساده‌ی اسطوره پرداز، پیامش را با مردم در میان نهاد. (ساورسغلی، خانه‌ی دوست کجاست؟ ۱۳۸۷ ه ش، ص ۶۲-۶۱) عرفان نگاه تازه و آرامشی خاص به سهراب بخشیده است. و خود می‌گوید: ما باید مانند عارفان «حال» را در یابیم و به اصطلاح اهل تصوف «ابن الوقت» باشیم و اجازه ندهیم، تجربیات تلخ گذشته، به ویژه در روابط انسانی «آن» ما را خراب کنند. باید در همه امور دنیوی و انسانی شرکت کرد، و از «بودن» در این دنیا، لذت ببریم. مرگ وجود ندارد، چرا که پس از مرگ، با کل هستی

یکی می‌شویم؛ مرگ نوعی تغییر و تحول است، از یک وضعیت یا «بودن» به یک وضعیت دیگر. (مقدادی، هدایت و سپهری، ۱۳۷۸ ه ش، ص ۱۵۷)

آثار سهراب سپهری

سهراب که از سن ده سالگی شروع به سرودن شعر نموده، آثار ارزشمندی از خود به یادگار نهاده است، مجموعه‌ی «مرگ رنگ» در سال ۱۳۳۰ ه

هنر به هر یک از شکل‌های ممکن، به فعلیت نزدیک می‌شد. (عابدی، از مصاحبت آفتاب، ۱۳۷۵ ه ش، ص ۵۲)

سهراب چون به شیوه دیگران نمی‌اندیشید و راه خود را در پیش می‌گرفت، مورد انتقاد قرار می‌گرفت. وی برخلاف بسیاری از شعراء راهی بسیار دشوار را در پیش گرفت. راهی که در آن غم و درد جامعه را با لطیف‌ترین ابعاد به خود می‌گرفت، لذا سهراب همواره غمگین بود، اشعار وی سروده‌های ویژه‌ای هستند که با خصوصیات مخصوص به خود، تنها اندکی از خوانندگان را مجذوب می‌کند و همه کس قادر به درک پیغام سهراب نمی‌شود. (هاشمی، ۱۳۸۲ ه ش، ص ۱۵)

شعر سیاسی باید به جهان و انسان چشم داشته باشد و سپهری در کنار هنر و شعر و سیاست آن، مدافع بینشی است که حضور انسان را در این عصر بی‌تفاوتی نشان دهد به همین دلیل است که عقیده دارد «آب را گل نکنیم». شعر سیاسی سهراب سرشار از احساس و عاطفه و اندیشه‌ی زندگی است و به جرأت می‌توان گفت که شعر «صدای پای آب» از پربارترین و بارزترین نمونه‌های اشعار سیاسی این عصر می‌تواند باشد. و آیا تمامی این‌ها، اندیشه‌های سیاسی شعر سپهری نیست که ما را به فطرت نورانی خود، که از تاریکی گریزان است، هشدار می‌دهد؟ و آیا «شعرسیاسی» جز جاودان ساختن همین فطرت معنوی ما نیست؟ آیا درد بزرگ بشر

معاصر همین نیست که خود را از آن معنویت و معصومیتی که در طبیعت است، دور کرده و سپهری تلاش می‌کند ما را به آن نزدیک کند. او این تلاش هوشمندانه را از آغاز نیت کرده بود، هر چند که در دفترهای آغازین، لحنش مستقیم و تند است، ولی دلسوزانه است. (وب سایت: آفتاب، زندگی سهراب سپهری، ۱۳۸۹/۲/۲۶)

هنر آن است که در قالب تصاویر زیبا و هنرمندانه، پیام منتقل شود. نه اینکه ظلم را تنها در چهره‌ی ظلم سیاسی دانست. شاعری که گل کردن آب را بر نمی‌تابد، ظلم به آدمیان را هم بر نمی‌تابد، پس چون ظلم را می‌دید، به انسان یادآوری می‌کند که سبزه را نکند، مهر بورزد و... لذا انتقاد شاعر از زندگی و جامعه، انتقادی است شاعرانه. وی در شمار شعرای متعهد معاصر می‌باشد که به مراتب سخت‌تر از سیاسی بودن به معنای مصطلح آن است. در اغلب اشعار، اعتراض آرام ولی قاطع نهفته است، اعتراض به مردمی که چشم‌هایشان را عادت پر کرده و دنیا را تنها از یک نظر می‌بینند.

(سیدی، به باغ همسفران، ۱۳۸۴ ه ش، ص ۲۴۱)

و سهراب اینگونه می‌سراید:

دریا و مرد

تنها و روی ساحل،

مردی به راه می‌گذرد.

نزدیک پای او

دریا، همه صدا.

شب، گنج در تلاطم امواج،

باد هراس پیکر

رو می‌کند به ساحل و در چشم‌های مرد

نقش خطر را پر رنگ می‌کند. (هشت کتاب،

۱۳۸۱ ه ش، مرگ رنگ- دریا و مرد، ص ۵۸-۵۷)

در این شعر طبق نظر «میترا جلالی» در کتاب

«رمز گشایی اشعار سهراب سپهری» که دریا را

رمز جامعه‌ی در حال مبارزه با استبداد و باد را رمز

استبداد و امواج را رمز مبارزات سیاسی دانسته،

می‌توانیم به این موارد اشاره داشته باشیم که

همواره بخش وسیعی از جامعه را، افرادی در بر

می‌گیرد که نسبت به وضع موجود و ظلمی که

حکام بر آنان روا می‌دارند، متأسفانه بی تفاوت

هستند و در این میان مبارزانی وجود دارند که در

برابر این نامالیقات سیاسی، بی تفاوت بمانند و

دست به مبارزات سیاسی می‌زنند و مردم انقلابی

همچون موج خروشان حرکت می‌کنند که این

حرکت برای حکومت استبدادی خطرآفرین

می‌باشد.

نتیجه

ایلیا ابوماضی شاعر بزرگ مهجر و سهراب

سپهری شاعر و متفکر بزرگ ایران دارای

نقاط مشترکی در شعرشان می‌باشند که طبیعتاً

خواننده را به سمت و سویی، سوق می‌دهند که

آنها را دقیق‌تر بررسی کند:

- اینکه هر دو شاعر بزرگ، شرقی‌اند و علیرغم

اینکه ابوماضی در غرب زیسته و سپهری

مدتی مسافر اروپا بوده، اما همواره در پی

تعالی روحیه‌ی شرقی خویش بوده‌اند.

- هر دو عاشق سرزمین‌شان بودند و نبوغ شعری

شان از نوجوانی شکوفا شده و شعرشان بر

مبنای معنویت سروده شده که نشان‌دهنده‌ی

ایمان قوی آنها بوده است.

- محور شعر هر دو شاعر طبیعت بوده است.

- هر دو شاعر، مسئله انسان و مسائل مربوط به

جامعه انسانی برایشان مهم بوده و به دلیل

ارائه اندیشه‌های نو، از طرف متحجران هم

عصر خود مورد انتقاد و اذیت قرار گرفتند.

- هر دو شاعر علیرغم اینکه خودشان از سیاست

متنفر بودند، زیرا سیاست را پوچ و توخالی

می‌دانستند، و شاید دلیل آن، زندگی آنان

در دوران استبداد و ظلم و ستم بوده و با این

همه، در زمینه‌ی دردهای اجتماعی و بشریت

و تیرگی حاصل از استبداد، سروده‌هایی را

داشته‌اند که هم احساسات خود را با این اشعار

نمایان کرده و هم به مردم آگاهی داده‌اند. و

در واقع هر دو، شاعر تأمل و اندیشه در هستی

هستند، پیام هر دو غلبه بر تاریکی‌هاست و هر

دو با شیوه‌ی خاص خود فریاد آزادی خواهی

را در جوامع نابسامان زمانه‌ی خود سر داده‌اند.

منابع

فهرست مصادر و مراجع عربی

- ۱- ابوماضی، ایلیا، دیوان ایلیا ابوماضی، قدّم له و علّق علیه ابراهیم شمس الدین، منشورات مؤسسه النور للمطبوعات، بیروت، ۲۰۰۵ م.
- ۲- برهومی، خلیل، ایلیا ابوماضی شاعرالسؤال و الجمال، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۹۹۳ م.
- ۳- جمیل السراج، نادره، شعراءالرابطة القلمیة، دارالمعارف، بلاتا، الطبعة الثالثة.
- ۴- خفاجی، عبدالمنعم، قصة الأدب المهجری، دارالکتب اللبنانی، بیروت، ۱۹۸۶ م.
- ۵- الخیاط، جلال، وسائرین، تاریخ ادبیات معاصر عرب، انتشارات دانشگاه رازی، کرمانشاه، ۱۳۸۵ ه ش.
- ۶- زکی طالب، طالب، ایلیا ابوماضی بین التجدید و التقليد، منشورات المكتبة العربیة، صیدا بیروت، بلاتا.
- ۷- سلیمان، خالد، فلسطين و شعر معاصر عرب، مترجم شهره باقری و عبدالحسین فرزاد، نشر چشمه، تهران، ۱۳۷۶ ه ش.
- ۸- صیدح، جورج، أدبنا و أدباؤنا فی المهاجر الأمريکیة، دارالعلم للملایین، ۱۹۵۷ م.
- ۹- ضیف، شوقی، دراسات فی الشعرالعربی المعاصر، دارالمعارف، قاهره، ۱۱۱۹ م.
- ۱۰- الفاخوری، حنا، تاریخ الأدب العربی، دارالجلیل، بیروت، بلاتا.
- ۱۱- المعوش، سالم، ایلیا ابوماضی بین الشرق و الغرب، مؤسسه بحسون، بیروت، ۱۹۹۷ م.
- ۱۲- الهواری، صلاح الدین، شعراءالمهجرالشمالی، دارومکتبة الهلال، بیروت، ۲۰۰۹ م.

فهرست مصادر و مراجع فارسی

- ۱- ایمنی، خسرو، شعر امروز ایران، انتشارات نیما، تهران، ۱۳۸۲ ه ش.
- ۲- ساور سفلی، سارا، خانه‌ی دوست کجاست؟، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۷ ه ش.
- ۳- سپهری، سهراب، هشت کتاب، طهوری، تهران، ۱۳۸۱ ه ش.
- ۴- سیدی، سید حسین، به باغ همسفران، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۴ ه ش، چاپ اول.
- ۵- شاهری، سید علی، شهبازان قلّه‌های ادب پارسی، چاپخانه غزال، تهران، ۱۳۸۴ ه ش.
- ۶- عابدی، کامیار، از مصاحبت آفتاب، نشر روایت، تهران، ۱۳۷۵ ه ش.
- ۷- مقدادی، بهرام، تحلیل و گزیده‌ی شعر سهراب سپهری، انتشارات پایا، تهران، ۱۳۷۵ ه ش.
- ۸- مقدادی، بهرام، هدایت و سپهری، انتشارات هاشمی، تهران، ۱۳۸۷ ه ش.

۹- نوبخت، ایرج، درآمدی بر جامعه شناسی ادبیات فارسی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، ۱۳۷۹ ه. ش.

۱۰- هاشمی، حمید، زندگی نامه شاعران ایران از آغاز تا عصر حاضر، انتشارات فرهنگ و قلم، تهران ۱۳۸۲ ه. ش.

فهرست سایت‌های اینترنتی

۱- وب سایت: آفتاب، زندگی سهراب سپهری، ۱۳۸۹/۲/۲۶.